



## Prohibitions of Unconventional Investment from an Applied Ethical Perspective Based on the Interpretive View of Allamah Tabatabai

Mohammad Javad Fallahi\*, Reza Shahmansoori\*\*

### Abstract

Today, investments in areas such as currency, automotive, and housing have attracted the attention and interest of some segments of society. Considering the various implications that such investments can have, the importance of examining the legal, economic, jurisprudential, and ethical dimensions of this type of investment is clear. However, since the ethical dimensions of such investments, especially in individual and social aspects, have received less attention, the necessity of clarifying these dimensions is of greater importance and urgency. The aim of this article is to examine these economic activities from the perspective of applied ethics and based on the interpretive view of Allamah Tabatabai, using a descriptive-analytical method. The research results indicate that by examining the ethical perspective of Allamah Tabatabai, it can be said that virtue ethics, consequentialism, eschatological consequentialism, duty ethics, and ethics of love are among the foundations of his meta-ethics, and piety, equality, sacrifice, unity, and social security are components of social ethics. Buying and hoarding currency, housing, and cars, and entering liquidity into these markets disrupt the flow of economic transactions and prosperity, serving as an example of prioritizing personal gain over collective interests and indifference to the weaker segments of society, which is contradictory to the components of social ethics. Furthermore, engaging in these types of investments in terms of ethical vices leads to harms such as eagerness for turmoil and inflation in the economy and deriving joy from the losses of others.

### Keywords

buying currency, housing and cars, economic system, social ethics, Allameh Tabatabai, personal and collective interests.

---

\* Associate Prof., Ethic Islamic, Maaref University of Qom, Iran. fallah@Maaref.ac.ir

\*\* Ph.D. Student in Ethic Islamic, Maaref University of Qom, Iran (Responsible Author).  
Rez.Mansoor@yahoo.com

## بنیادهای سرمایه‌گذاری‌های نامتعارف از بُعد اخلاق کاربردی براساس

### دیدگاه تفسیری علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه

محمدجواد فلاح\*، رضا شاه‌منصوری\*\*

#### چکیده

امروزه سرمایه‌گذاری در عرصه‌هایی همچون ارز، خودرو و مسکن مورد توجه و اقبال برخی اقشار جامعه قرار گرفته است. با توجه به تبعات متعددی که این قبیل سرمایه‌گذاری می‌تواند در پی داشته باشد، اهمیت بررسی ابعاد مختلف قانونی، اقتصادی، فقهی و اخلاقی این نوع سرمایه‌گذاری امری واضح است. اما با توجه به این که بررسی ابعاد اخلاقی این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها خصوصاً در بعد فردی و اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، ضرورت تبیین این ابعاد، از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار است. هدف این مقاله بررسی این نوع فعالیت‌های اقتصادی، از نظر اخلاق کاربردی و براساس دیدگاه تفسیری علامه طباطبائی ره با روش توصیفی تحلیلی است. نتیجه پژوهش این که با بررسی دیدگاه اخلاقی علامه طباطبائی می‌توان گفت فضیلت‌گرایی، پیامد‌گرایی اخلاقی، پیامد‌گرایی اخروی، وظیفه‌گرایی و اخلاق محبت از مبانی فرااخلاقی ایشان و تقوا، برابری، ایثار، وحدت

\* دانشیار گروه اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

fallah@Maaref.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری تربیت مدرس اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Rez.Mansoor@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۲



و امنیت اجتماعی از مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی هستند. با خرید و حبس ارز، مسکن و خودرو و ورود نقدینگی به این بازارها جریان معاملات اقتصادی و رونق آن‌ها دچار اختلال می‌شود و مصداقی برای تقدم نفع شخصی بر منافع جمعی و بی‌تفاوتی نسبت به قشر ضعیف جامعه است که با مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی در تضاد است. همچنین ورود به این نوع سرمایه‌گذاری‌ها در بُعد رذائل اخلاقی، آسیب‌هایی همچون اشتیاق نسبت به آشفتگی و گرانی در اقتصاد و شادمانی از ضرر دیگران را در پی دارد.

### کلیدواژه‌ها

خرید ارز و مسکن و خودرو، نظام اقتصادی، اخلاق اجتماعی، علامه طباطبایی، منافع شخصی و جمعی.

### مقدمه

در سال‌های اخیر با بروز برخی از مشکلات اقتصادی در جامعه و کاهش ارزش پول ملی، بعضی از افراد برای بهره‌مندی از شرایط موجود و به‌دست آوردن سود، به سرمایه‌گذاری در بازارهایی همچون ارز، مسکن و خودرو روی آوردند. غالباً ورود به عرصه سرمایه‌گذاری در این بازارها از لحاظ قانونی منعی ندارد و ممکن است در بعضی از بازه‌های زمانی سود سرشاری نیز در پی داشته باشند؛ اما اینکه آیا از لحاظ اخلاقی اجتماعی نیز چنین فعالیت‌های اقتصادی مجاز هستند یا نه نیازمند بررسی و دقت بیشتری است.

با توجه به اینکه امروزه تعداد قابل توجهی از افراد یا به این عرصه‌های اقتصادی وارد شده‌اند یا تمایل به ورود به آن‌ها را دارند و ازسوی دیگر، ممکن است چنین اموری دارای آسیب‌های اخلاقی جدی باشند، بررسی ابعاد اخلاقی این نوع سرمایه‌گذاری، امری مهم و ضروری است. همچنین، بررسی این ابعاد از منظر آیات





و به خصوص دیدگاه اندیشمند بزرگ معاصر، علامه طباطبائی رحمته الله علیه اهمیت و جایگاه خاصی دارد.

دربارهٔ پیشینه این تحقیق باید گفت معمولاً مسئلهٔ سرمایه‌گذاری در بازارهای ارز، مسکن و خودرو از جوهی مانند جوه قانونی، فقهی و اقتصادی، نه در سطح مقالات علمی پژوهشی، بلکه صرفاً در حد یادداشت‌های کوتاه در برخی از رسانه‌ها بررسی شده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۱/۰۵/۰۲؛ خبرگزاری دانشجو، ۱۴۰۱/۱۱/۱۰). البته در معدود مواردی، ابعاد و تأثیرات مختلف تحولات بازار ارز در اقتصاد و بازارهای دیگر مانند طلا و مسکن، در برخی از مقالات علمی پژوهشی بررسی شده است<sup>۳</sup>؛ اما دربارهٔ ابعاد اخلاق اجتماعی این نوع امور اقتصادی باید گفت متأسفانه این ابعاد به‌طور دقیق در مقالات علمی بررسی نشده است. بنابراین، وجه تمایز این پژوهش با تحقیقات قبلی این است که به‌نحو تفصیلی و خاص، به ابعاد اخلاق اجتماعی سرمایه‌گذاری در بازار ارز، مسکن و خودرو، با توجه به دیدگاه تفسیری علامه طباطبائی می‌پردازد.

این پژوهش در پی پاسخ‌دادن به این سؤالات است: ملاک اخلاقی برای کارهای اقتصادی مخصوصاً بازارهایی همچون ارز، مسکن و خودرو در اسلام چیست؟ ورود به این عرصه‌های سرمایه‌گذاری از منظر علامه طباطبائی (مخصوصاً ذیل آیهٔ ۳۴ سورهٔ توبه) چه مسائل و آسیب‌های اخلاقی در پی دارد؟ روش در این پژوهش، توصیفی تحلیلی است و برای حل مسئله از استدلال‌های عقلی، آیات و روایات استفاده شده است.

1. <https://www.isna.ir/news/1401050201584>

2. <https://snn.ir/fa/news/1057589>

۳. برای نمونه ر.ک: صادقی شاهدانی، مهدی، علیرضا خزایی و مجتبی اسلامیان (۱۴۰۰)، «تأثیر تحولات بازارها بر بازار مسکن شهری ایران: با تأکید بر نااطمینانی‌های بازار طلا»، *اقتصاد و مدیریت شهری*، سال ۹، ش ۳۶، ص ۹۵-۱۱۲؛ هاتفی مجومرد، مجید و حسن مهرآرا (۱۳۹۹)، «مهاجرت حباب میان بازار ارز و بازار مسکن»، *پرونده‌نامه اقتصادی*، دوره ۲۰، ش ۷۷، ص ۶۷-۱۰۲.

## ۱. تفسیر آیه شریفه ۳۴ سوره توبه

علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه ۳۴ سوره توبه به نحو خاص مباحثی را مطرح می کند که می توان از آن ها به ابعاد اخلاقی خرید ارز از منظر ایشان دست یافت.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴾؛ «ای اهل ایمان، یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل [و به صورتی نامشروع] می خورند و همواره [مردم را] از راه خدا بازمی دارند و کسانی را که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، به عذاب دردناکی مژده ده» (توبه، ۳۴).

این آیه را می توان به دو بخش تقسیم کرد؛ در بخش اول آیه، در ادامه آیات قبلی به این نکته اشاره می شود که برخی از دانشمندان یهودی و راهبان مسیحی از راه باطل و نامشروع اموال مردم را تصاحب می کنند و مردم را از راه رسیدن به خداوند بازمی دارند. این قسمت از آیه شریفه، محل ارجاع در این تحقیق نیست. اما در بخش دوم که متناسب با این تحقیق است، دیگر بحث مختص به بعضی از اهل یهود و نصارا نیست، بلکه مسئله ای بیان می شود که شامل همه افراد حتی مسلمین نیز می شود. خداوند تعالی می فرماید کسانی که طلا و نقره را که از اسباب مبادلات اقتصادی در آن زمان بود، جمع آوری، حبس و پنهان می کنند و آن ها را در راه خداوند انفاق نمی کنند، به عذاب الیم بشارت بده.

در تفسیر این بخش از آیه شریفه، ابتدا باید مقصود از واژه «یکنزون» مشخص شود. کنز در لغت، به معنای جمع آوری، حبس و پنهان کردن چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ص ۱۴۱). در تفاسیر درباره معنای کنز که در آیه شریفه مذمت شده، مطالب مختلفی آمده است؛ بعضی از مفسران با تکیه بر برخی از روایات، کنز مذموم را مالی دانسته اند که زکات آن پرداخت نشده است. بنابراین، اگر کسی زکات مال خود را پردازد، از این حیث،





منعی برای جمع‌آوری مال ندارد. با توجه به تعریف کنز، مقصود آیه شریفه از طلا و نقره را به نپرداختن زکات نیز تعمیم داده و شامل طعام نیز دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۵: ص ۲۱۰). بعضی از مفسران با تکیه بر برخی از روایات، کنز مذموم را مال انباشته‌شده‌ای معرفی می‌کنند که بیش از دوهزار درهم باشد. بنابراین تفاسیر، مال انباشته‌شده به سکه طلا و نقره و پول رایج آن زمان منحصر بوده و به طعام تعمیم داده نشده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ص ۸۷). طبق این نظر، طلا و نقره‌ای که انباشته و حبس شوند، کنز هستند؛ چه زکات آن‌ها پرداخته شده باشد چه نشده باشد. از برخی از روایات دیگر نیز می‌توان فهمید که کنز مختص اموالی که زکات آن‌ها داده شده باشد نیست، بلکه در شرایط خاص اجتماعی شامل اموالی که زکات آن‌ها داده شده نیز می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ص ۶۱).

در مقابل، برخی از مفسران، ابعاد جدیدی از مفهوم آیه شریفه بیان کرده و عمق بیشتری به معارف آن بخشیده‌اند. در توضیح کلام آن‌ها باید گفت با شکل‌گیری زندگی اجتماعی، بشر برای رفع نیازهای خود از مبادله کالا به کالا استفاده می‌کرد. از آن‌رو که معامله کالا به کالا دارای مشکلات خاصی است، طلا و نقره (به‌عنوان پول گران‌قیمت و ارزان‌قیمت) انتخاب شدند. در آیه شریفه نیز مطلق مال ذکر نشده است، بلکه مقصود از دو واژه طلا و نقره، پول رایج معاملات در جامعه است. بنابراین، طرف خطاب آیه شریفه کسانی است که پول رایج جامعه را حبس و پنهان می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۳۴۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ص ۳۹۳).

علامه طباطبائی نیز در تفسیر شریف المیزان، با نگاهی متفاوت، به تفسیر این آیه پرداخته است. او درباره بخش ابتدایی آیه شریفه نکاتی گفته که با تحقیق حاضر تناسب دارد؛ چند آیه پیشین در مقام بیان آسیب‌هایی است که بزرگان یهود و نصاری برای جامعه دارند و این آسیب‌ها موجب فساد در جامعه می‌شوند. در ابتدای این آیه به اکل باطل اموال مردم توسط آن‌ها اشاره می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت امور اقتصادی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که قوام جامعه به آن است. با آسیب به



نظام اقتصادی، قوام آن نیز به مخاطره می‌افتد. از سخن علامه می‌توان این نکته را فهمید که این آیه شریفه نیز در پی بیان امری است که به فساد اجتماعی منجر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۳۳۲-۳۳۵).

بنابر نظر ایشان، در بخش دوم آیه شریفه که نهی از «کنز» است، هیچ دلیل لفظی و ظاهری وجود ندارد که حکم مختص یهود و نصاری باشد و این نهی شامل مسلمین نیز می‌شود. همچنین در تمام استعمالات کنز معنای پنهان کردن وجود دارد و علت استعمال آن در آیه این است که معمولاً در زمان قدیم، سکه‌های طلا و نقره را به صورت دفینه نگهداری می‌کردند تا از سرقت محفوظ بمانند. بنابراین، مقصود از کنز در آیه شریفه، سکه‌های طلا و نقره به‌عنوان پول رایج در آن زمانه است. به نظر علامه، آیه شریفه همه مردم حتی مسلمین را نهی می‌کند که پول رایج جامعه را جمع‌آوری و پنهان کنند؛ چراکه این امر هرچند دارای منفعت شخصی است، منجر به آسیب به نظام اقتصادی و در پی آن، ایجاد فساد در بنیان جامعه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۳۳۲-۳۳۵). با توجه به نکات قبل باید گفت مقصود از کنز، صرف جمع‌آوری و داشتن پول رایج نیست، بلکه حبس آن و جلوگیری از جریان این پول در چرخه اقتصاد است.

باتوجه به اینکه مبادلات اقتصادی متوقف بر وجود پول رایج است و ازطرف دیگر، مقدار پول بی‌نهایت نیست و محدود است، اگر گروهی قصد داشته باشند پول رایج را حبس کنند و از چرخه اقتصاد کنار بکشند، قطعاً مبادلات اقتصادی با مشکل مواجه می‌شود؛ بنابراین، این‌گونه جمع‌آوری و حبس پول به اختلال در چرخه و رونق اقتصاد در جامعه منجر می‌شود. ازسوی دیگر، علامه (برخلاف دیدگاه غزالی) معتقد است سکه طلا و نقره به‌خودی‌خود نیز دارای ارزش ذاتی هستند و به همین دلیل، معیار ارزش‌گذاری اجناس شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ص ۶۶۴). بنابراین، حبس پول رایج و کمبود آن در جامعه به افزایش ارزش خود این پول رایج نیز منجر می‌شود.

پس، نهی آیه شریفه، نهی از داشتن پول نیست، بلکه نهی از حبس آن است؛ چون اسلام مالکیت اشخاص را از حیث کمیت محدود نکرده و حتی اگر شخص مفروض هزاران برابر آن دینه ثروت می‌داشت، ولی آن را حبس نمی‌کرد و در جریان معاملات جامعه قرار می‌داد، اسلام هیچ عتابی به او نداشت. به عبارت دیگر، این نهی صرفاً به دلیل حبس مال و اختلال در نظام اقتصادی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲: ص ۶۶۴).

افزون بر این، در آیه شریفه، نهی از کنز پول رایج، به دلیل پیشگیری از انفاق آن است که بنابر نظر علامه، مقصود فقط زکات نیست، بلکه صرف این پول در هر امری است که در جامعه و حفظ بقای آن ضرورت دارد؛ پس نهی از کنز اموال، نهی از داشتن اموال نیست، بلکه نهی از حبس پول رایج و خرج نکردن آن در اموری است که برای اجتماع ضرورت دارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲: ص ۶۶۴).

## ۲. مصادیق امروزی کنز مذموم

از منظر علامه طباطبائی، بنا بر آیه شریفه، حبس پول رایج در معاملات کشور، از این حیث که موجب کمبود آن و افزایش قیمت آن و اختلال در اقتصاد می‌شود، امری مذموم است.

می‌توان گفت بنابر مطالب بیان‌شده و با توجه به ملاک و مناطی که علامه طباطبائی از این آیه و نهی از کنز مال به دست می‌آورد، قاعده کلی این است که هرگونه جمع‌آوری و حبس اموالی که مورد نیاز جامعه است و به اختلال در دسترسی مردم به آن‌ها و افزایش قیمت آن‌ها منجر می‌شود، قبیح است؛ زیرا موجب اختلال در اقتصاد و نظم اجتماعی می‌شود.

با توجه به مناط و معیاری که آیه شریفه براساس آن، حبس نقدین را مذمت می‌کند، می‌توان از باب تنقیح مناط، این حکم را به موارد دیگر نیز سرایت داد. با توجه به مشخص شدن مناط و مقصود در آیه شریفه می‌توان حکم آیه و مذمت آن







را به مصادیق دیگر نیز سرایت داد و برخی از مصادیق دیگر این حکم کلی را در اقتصاد امروز جامعه بررسی کرد.

با بروز برخی از مشکلات اقتصادی در سال‌های اخیر و افت ارزش پول ملی و در پی آن، افزایش سرسام‌آور قیمت ارزهای خارجی، این انگیزه در عده‌ای ایجاد شد تا با سرمایه‌گذاری در این زمینه و خرید و حبس ارزهای خارجی از بستری به وجود آمده استفاده کنند. باید یادآور شد یکی از علل رشد بی‌رویه قیمت ارز، کمبود آن در کشور است؛ با هجوم تقاضای داخلی ارز، این کمبود عمق بیشتری یافته و فاصله عرضه و تقاضا روزبه‌روز بیشتر می‌شود. لذا نفس این تقاضای کاذب موجب رشد بیشتر قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی می‌شود.

با توجه به تفسیر آیه شریفه می‌توان یکی از مصادیق بارز کنز مذموم در آیه شریفه را خرید و حبس ارزهای خارجی و خارج کردن آن‌ها از چرخه اقتصاد دانست. در صورتی که این نوع سرمایه‌گذاری به جریانی در کشور تبدیل شود و تعداد قابل توجهی از مردم به این سمت حرکت کنند، آثار مخربی بر اقتصاد خواهد گذاشت؛ زیرا با این عمل هم چرخه مبادلات اقتصادی با جامعه جهانی دچار مشکل می‌شود و هم با کاهش ارزش پول ملی، اقشار مختلف جامعه با گرانی‌های پی‌درپی و کاهش قدرت خرید و سختی و تنگی در امر معیشت مواجه می‌شوند. علامه در این زمینه می‌گوید:

نقدین، یعنی سکه‌های طلایی و نقره‌ای [در گذر زمان]، مقیاس اصلی قیمت‌ها شده، هر چیز دیگر و هر عملی با آن‌ها تقویم و ارزیابی شد و نوسان‌های حوائج زندگی همه به آن دو منتهی گردید و آن دو ملاک دارایی و ثروت شدند و کارشان به جایی رسید که گویی جان مجتمع و رگ حیاتش بسته به وجود آن‌هاست؛ اگر امر آن‌ها مختل شود، حیات اجتماع مختل می‌گردد و اگر آن‌ها در بازار معاملات در جریان باشند، معاملات سایر اجناس جریان پیدا می‌کند و اگر آن‌ها متوقف شوند سایر اجناس نیز متوقف می‌گردد. امروزه وظیفه‌ای را که نقدین در جوامع بشری به



عهده داشت (از قبیل حفظ قیمت اجناس و عمل‌ها و تشخیص نسبت میان آن‌ها)، او را قریباً از قبیل پوند و دلار و چک و سفته‌های بانکی به عهده گرفته است و در تعیین قیمت اجناس و اعمال و تشخیص نسبت‌هایی که میان آن‌هاست نقش نقدین را بازی می‌کند؛ بدون اینکه خود قیمت ذاتی داشته باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت تقریباً این‌ها قیمت هر چیزی را معلوم می‌کنند، ولی خودشان قیمتی ندارند. در جریان دو جنگ جهانی دیدیم که بطلان اعتبار پول در پاره‌ای از کشورها مانند منات در روسیه تزاری و مارک در آلمان چه بلاها و مصائبی ایجاد کرد و با سقوط ثروت چه اختلالی در حیات آن جوامع پدید آمد. حال باید دانست اندوختن و دفینه کردن پول و جلوگیری از انتشار آن در میان مردم عیناً همان مفسد و مصائب را ایجاد می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۳۴۹-۳۵۰).

البته با توجه به مناط و معیاری که علامه از آیه شریفه بیان کرد، از باب تنقیح مناط باید گفت این مسئله مختص بازار ارز نیست، بلکه امور دیگری نیز در اقتصاد جامعه وجود دارد که در عین اینکه از مایحتاج ضروری جامعه هستند، در صورت ورود نقدینگی و سرمایه‌گذاری در آن‌ها و در ادامه، حبس آن‌ها، در اقتصاد جامعه اختلال به وجود می‌آید.

در حقیقت علت و منشأ مذمت و حرمت احتکار در جامعه نیز به همین نکته برمی‌گردد.

طبق روایتی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، کسی که اجناس مورد نیاز جامعه را وارد بازار کند، تأیید و تحسین شده و محتکران، تنقیح شده و ملعون خوانده شده‌اند؛ «الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَ الْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۱۶۵).

در روایت دیگری از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مکانی در جهنم وجود دارد که مختص سه گروه از گنه کاران، از جمله اهل احتکار است: «عَنْ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَطْلَعْتُ فِي النَّارِ فَرَأَيْتُ وَادِيًا فِي جَهَنَّمَ يُغْلِي فَقُلْتُ يَا مَالِكُ لِمَنْ هَذَا فَقَالَ لِثَلَاثَةِ الْمُحْتَكِرِينَ وَ الْمُدْمِنِينَ الْحَمْرَ وَ الْقَوَادِينَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ص ۴۲۶).



یکی از بازارها، بازار مسکن است. به دلیل تولید کم مسکن در سال‌های گذشته و نبودن تعادل بین نظام عرضه و تقاضا، سرمایه‌گذاری در این عرصه برای کسب سود، موجب بیشتر شدن تقاضای کاذب و شعله‌ور شدن آتش افزایش قیمت‌ها در این بازار شد. در حقیقت، معنای کنز (جمع آوری و حبس)، در این بازار مصداقی همچون خانه‌های خالی دارد. عده‌ای برای کسب سود و افزایش قیمت‌ها سعی در خرید خانه و خالی نگه داشتن آن دارند. برخی از مسئولان با بیان اینکه سرمایه‌های هنگفتی از کشور در دوونیم میلیون واحد مسکونی خالی از سکنه حبس شده است، گفتند ایران ده برابر کشور انگلیس خانه خالی دارد (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۰/۰۲/۲۸).<sup>۱</sup> این درحالی است که کشور با نیاز مبرم به خانه مواجه است و در اثر نبود تعادل بین عرضه و تقاضا روزبه‌روز قیمت مسکن بیشتر و برای اقشار ضعیف دست‌نیافتنی‌تر می‌شود. البته برای جلوگیری از این آسیب اقتصادی، قوانینی همچون وضع مالیات بر خانه‌های خالی در دست اجراست. بنابراین، یکی از مصادیق بارز کنز مالی که از مایحتاج ضروری مردم است و موجب اختلال در نظام اقتصادی و اجتماعی می‌شود، خرید و حبس خانه است.

همین امر در بازار خودرو نیز به چشم می‌خورد؛ بازاری که خود از افزایش قیمت ارز آسیب دیده است. سیل تقاضای کاذب موجب می‌شود تولیدات آن به دست مصرف‌کننده حقیقی نرسد و هرگز تعادلی بین عرضه و تقاضا ایجاد نشود. لذا فاصله بسیاری بین قیمت کارخانه و بازار به وجود آمده و روزبه‌روز بر قیمت آن افزوده می‌شود. این مصداق کنز به دو صورت قابل تصور است؛ یکی، از طریق خودروسازان و دیگری، از طریق مردم.

در صورت اول، خودروسازان با انبار کردن خودروها به بهانه‌های مختلف و عرضه نکردن میزان لازم از آن به جامعه، نقش مهمی در افزایش قیمت خودرو دارند. بنا بر گفته برخی از مسئولان کشور، تعداد خودروهای انبارشده در خودروسازی‌ها

1. <https://www.isna.ir/news/140012816171>



به حدود دویست هزار می‌رسد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۴۰۱/۰۲/۱۲)<sup>۱</sup>. این مسئله هم مصداقی از کنز خودرو است که امروز از مایحتاج ضروری زندگی مردم شده و هم عاملی برای شکاف بیشتر بین عرضه و تقاضا در جامعه و افزایش روزافزون قیمت خودرو در کشور.

صورت دوم، تقاضای کاذب مردم برای خودرو است. از یک سو، خودروساز عرضه خود را کاهش داده است و از سوی دیگر، مردم برای کسب سود بدون اینکه نیاز واقعی داشته باشند، به نام تمام اعضای خانواده برای خرید خودرو اقدام می‌کنند.

بعد از تحویل خودرو طبیعتاً مدتی باید صبر کرد تا قیمت خودرو روزبه‌روز بیشتر شود و خریدار بیشترین سود را از اختلاف قیمت خودرو در کارخانه و بازار ببرد. این هجوم تقاضای کاذب موجب می‌شود هرگز همان عرضه ناقص خودروساز نیز به نیازمندان واقعی نرسد و روزبه‌روز قیمت آن در بازار افزایش یابد و در نظم اقتصادی و اجتماعی اختلال به وجود بیاید.

در نمونه‌ای که شاهدی بر هر دو صورت است، برای عرضه یازده هزار خودرو توسط یکی از خودروسازان، حدود پنج میلیون نفر ثبت‌نام کردند (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۱/۰۱/۲۱)<sup>۲</sup>. این نمونه نشانه بارزی از عرضه ناکافی خودرو از سوی خودروساز و هجوم غیرطبیعی مصرف‌کنندگان غیرواقعی برای خرید خودرو است.

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که هرچند در مفهوم کنز معنای پنهان کردن وجود دارد، اما ظاهراً بنا بر نظر علامه، در آیه شریفه درباره معنی مخفی کردن الغاء خصوصیت شده است. مقصود اصلی در این آیه، خارج کردن سرمایه از مبادلات و نظام اقتصادی است و صرف مخفی کردن، موضوعیتی ندارد. بنابراین، صرف مخفی کردن پول رایج یا قرارداد آن در بانک که در حقیقت نوعی

1. <https://www.yjc.ir/fa/news/8124806>

2. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/01/21/2693550/5>

مخفی کردن برای امنیت مال است، مقصود حکم مذمت در آیه نیست، بلکه آنچه موضوعیت دارد، کنار کشیدن پول از چرخه مبادلات است (هرچند مخفی نباشد). علامه در این باره می‌گوید که حبس مال موجب تعطیلی و از رونق افتادن بازار است؛ اما مقصود از این حرف این نیست که کسی پول را در صندوق‌ها یا بانک‌ها که مخصوص این کار است نگذارد؛ چرا که حفظ سرمایه عقلاً واجب است که وقتی انسان سرمایه خود را وارد عرصه اقتصادی کرد، تا فراهم شدن شرایط جدید برای سرمایه‌گذاری برای حفظ امنیت، آن را در بانک بگذارد. پس مقصود از مصداق مذمت، شرایطی است که فرد سرمایه را از چرخه اقتصاد مطلق کنار بکشد و منجر شود که نیاز جامعه برطرف نشود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۳۵۰-۳۵۱).

در نتیجه، این حکم شامل خودرو یا مسکن که مخفی نیستند هم می‌شود؛ چرا که آنچه موضوعیت دارد، حبس به معنای خارج کردن از گردش مبادلات ضروری جامعه است، نه صرف پنهان‌بودن. بنابراین، می‌توان گفت کتز مذموم و نهی شده در آیه شریفه در جامعه امروز مصادیق بسیاری دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به سرمایه‌گذاری در بازار ارزهای خارجی، مسکن و خودرو و حبس آن‌ها و جلوگیری از ورود آن‌ها به چرخه مبادلات اقتصادی کشور برای کسب سود شخصی اشاره کرد.

### ۳. استدلال‌های اخلاقی علیه سرمایه‌گذاری‌های رایج اقتصادی

بعد از مشخص شدن مصادیق کتز مذموم در آیه شریفه، در این قسمت به بررسی ابعاد اخلاقی این نوع سرمایه‌گذاری‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۳.۱. مبانی اخلاقی علامه طباطبایی رحمته الله علیه

قبل از ورود به بررسی اخلاقی، باید مبانی اخلاقی علامه مورد توجه قرار گیرد. در مباحث اخلاق کاربردی معمولاً به سه مبنا در فرااخلاق توجه می‌شود؛ غایت‌گرایی، فضیلت‌گرایی و وظیفه‌گرایی.



یک نظریه غایت‌گرایانه (teleological) مشتق از کلمه یونانی telos به معنی «غایت» بر این باور است که احکام اخلاقی کاملاً بر نتایجی مبتنی هستند که یک فعل به بار می‌آورد (پالمر، ۱۳۹۶، ص ۲۰). در دیدگاه فضیلت‌گرایی، فعل اخلاقی فعلی است که منشأ فضایل اخلاقی شود و فعلی که منجر به رذایل اخلاقی شود، فعلی قبیح و غیر اخلاقی است (ریچلز، ۱۳۹۶، ص ۲۸۳).

اما نظریات وظیفه‌گرایانه، همان‌طور که از عنوانشان پیداست، به نظریاتی گفته می‌شود که معیار فعل اخلاقی و معیار حسن و قبح افعال اختیاری انسان را در هماهنگی و عدم هماهنگی آن‌ها با وظیفه جستجو می‌کنند (مصباح، ۱۳۹۴، ص ۲۶). بعد از بیان دیدگاه‌های مختلف، باید گفت علامه طباطبائی نظر واحدی در معیار ارزش اخلاقی ندارد؛ به گونه‌ای که از مجموع نوشته‌های ایشان می‌توان پنج نظریه اخلاقی مجزا استخراج کرد که هر کدام را در زمان و شرایطی که مطرح کرده، قبول داشته‌اند (نصراصفهانی، ۱۳۸۷). این نظریات عبارت‌اند از: (۱) فضیلت‌گرایی؛ (۲) پیامد‌گرایی اخلاقی؛ (۳) پیامد‌گرایی اخروی؛ (۴) وظیفه‌گرایی اخلاقی؛ (۵) اخلاق محبت (عاشوری، ۱۳۹۷).

علامه در کتاب *نهایة الحکمة* از موضع یک فیلسوف و برطبق سنت فیلسوفان، فلسفه و حکمت را به نظری و عملی تقسیم کرده و اخلاق را کیف نفسانی دانسته که از جنس عملی است. او در این کتاب به پیروی از سنت فیلسوفان یونانی منحصراً به اخلاق فضیلت‌گرایانه پرداخته است. ایشان در دیگر کتاب فلسفی خود یعنی *اصول فلسفه و روش رئالیسم* اخلاق ابتکاری خود را که اخلاق پیامد‌گرایانه است، می‌پروراند و آن را از اعتبارات ساخت بشر بیان می‌کند.

علامه در بخشی از کتاب *المیزان* به تبیین پیامد‌گرایی اخروی می‌پردازد؛ از نظر ایشان، اخلاق مطرح‌شده در قرآن کریم غیر از اخلاق معمول قدیمی مانند اخلاق یونان است. تفاوت اساسی اخلاق قدیم و اخلاق پیامد‌گرای اخروی این است که اخلاق بشری اساس را بر این قرار داده است که هر چه جامعه می‌پسندد، خوب و



هرچه نمی‌پسندد، بد است؛ اما در اخلاق پیامد‌گرای اخروی، معیار حسن و قبح افعال، نظر جمع نیست، بلکه معیار، فرمان الهی است که بر ثواب و عقاب اخروی مبتنی است؛ به این معنا که چیزی خوب است و خداوند به آن امر کرده است که ثواب اخروی در پی دارد. درباره معیار چهارم باید گفت علامه در کتاب آموزش دین در تعریفی که از دین می‌دهد معتقد است دین، برنامه زندگی است و چون اخلاق، بخشی از برنامه زندگی است، در بخش اخلاق، اخلاق را از جنس وظیفه و مسئولیتی دانسته است که انسان در قبال خدا، خود و دیگران دارد. اخلاق محبت یا اخلاق قرآنی، نظریه پنجم علامه طباطبایی است که ظاهراً بیشتر از نظریه‌های دیگر اخلاقی، مطلوب ایشان است. این تئوری اخلاقی بر محبت مبتنی است و خود ایشان آن را اخلاق قرآنی نام نهاده است؛ چراکه به نظر ایشان این نوع از اخلاق ویژه قرآن است. بنابراین دیدگاه، کسب فضایل و دفع رذایل با معرفت خاص به حق تعالی حاصل می‌شود (عاشوری، ۱۳۹۷)؛ از این رو، قرآن با معرفت‌دهی توحیدی مانع ایجاد بنیان رذایل در انسان می‌شود.

### ۲.۳. اخلاق اجتماعی از منظر علامه طباطبایی

نکته مهم این است که اخلاق به بعد فردی منحصر نیست، بلکه شامل مسائل اجتماعی نیز می‌شود. به این قسم از مسائل اخلاقی، اخلاق اجتماعی گفته می‌شود. از نظر علامه طباطبایی، سعادت حقیقی یعنی سعادت اخروی بر کسب مکارم اخلاق و تهذیب نفس متوقف است و از سوی دیگر، اسلام، رسیدن به حد کمال و تمام در مکارم اخلاقی را وقتی ممکن می‌داند که بشر دارای زندگی اجتماعی صالح باشد و دارای حیاتی باشد که بر بندگی خدای سبحان و خضوع در برابر مقضیات ربوبیت خدای تعالی و بر معامله بشر بر اساس عدالت اجتماعی، متکی باشد. اسلام، قوانین عبادی و معارف اخلاقی خود را بر اساس همین نظریه یعنی توقف کمال در مکارم اخلاقی بر اصلاح زندگی اجتماعی بنا نهاده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۱۷۲).





با توجه به این تبیین و طبق عبارات دیگر علامه (ره)، یکی از بخش‌های اخلاق، اخلاق اجتماعی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: صص ۱۹۲ و ۶۶۹).

بنابر مبانی فرااخلاقی علامه و با توجه به تأثیرات و جایگاه اجتماع باید گفت اخلاق اجتماعی بنابر سه معیار فضیلت‌گرایی، پیامد‌گرایی اخروی و اخلاق محبت، قابلیت ارزش‌گذاری اخلاقی مثبت را دارد.

از منظر علامه طباطبائی، اخلاق اجتماعی مؤلفه‌هایی دارد. عده‌ای با تفحص در آثار ایشان، مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی را در اندیشه ایشان مواردی همچون تقوا، کرامت و عزت‌نفس، مؤاخات (برادری)، محبت، وحدت اجتماعی، امنیت اجتماعی، ایثار، انفاق، قناعت، وفای به عهد، امانت‌داری، ترویج و گسترش امر به معروف و نهی از منکر (سلطانی‌رنانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱) و عدالت و برابری اجتماعی (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۱۹۵) بیان کرده‌اند. طبیعتاً این مؤلفه‌ها موجب فضیلت اخلاقی در افراد شده‌اند و لذا براساس فضیلت‌گرایی، خوب هستند. همچنین موجب ثواب اخروی دوری از عقاب اخروی می‌شوند و لذا براساس پیامد‌گرایی اخروی، خوب هستند.

علامه درباره مؤلفه تقوا معتقد است اگر افراد تفکر اجتماعی داشته باشند، تقوای تک‌تک آن‌ها در جامعه مؤثر و بالعکس تقوای اجتماع بر افراد تأثیرگذار است. بنابراین، در صورتی که تقوا در اجتماع غالب شود، افراد جامعه نیز متقی می‌شوند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۱۶۷).

همچنین ایشان درباره مؤلفه عدالت و برابری در اجتماع مخصوصاً در زمینه اقتصادی می‌گویند یکی از تفاوت‌هایی که بین حکومت‌های به اصطلاح پیرو دموکراسی و حکومت اسلامی وجود دارد این است که تا آنجا که تاریخ نشان داده و ایشان دیده‌اند هیچ‌یک از این رژیم‌های غیراسلامی خالی از اختلاف فاحش طبقاتی نیستند. جامعه در این رژیم‌ها از دو طبقه تشکیل شده است؛ یکی، طبقه مرفه و ثروتمند و صاحب جاه و مقام و دیگری، طبقه فقیر و بینوا و دور از مقام و جاه، و



این اختلاف طبقاتی بالاخره به فساد منجر می‌گردد؛ چراکه لازمهٔ اختلاف طبقاتی، فساد است. اما در حکومت و اجتماع اسلامی، افراد اجتماع همه نظیر هم هستند و چنین نیست که بعضی بر بعضی دیگر برتری داشته باشند یا بخواهند برتری و تفاخر نمایند. تنها تفاوتی که بین مسلمین هست، همان تفاوتی است که قریحه و استعداد، اقتضای آن را دارد و از آن ساکت نیست و آن تنها و تنها تقواست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۱۹۵).

### ۳.۳. اختلال در اقتصاد جامعه

بعد از مشخص شدن مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی از نظر علامه و تبیین برخی از آن‌ها، باید به سراغ استدلال‌های اخلاقی علیه سرمایه‌گذاری‌های مورد نظر در این تحقیق رفت.

همان‌گونه که بیان شد، حرکت سرمایه و نقدینگی در جامعه به سمت بازارهای ارز، مسکن و خودرو و انباشت و حبس آن موجب اختلال در معاملات مایحتاج مردم و اقتصاد جامعه می‌شود؛ برای نمونه، حبس ارز در دست برخی از اقشار جامعه و کاهش ارزش پول ملی به افزایش فاصله طبقاتی منتهی می‌شود؛ عده‌ای روزبه‌روز ثروتمندتر و دیگران روزبه‌روز ضعیف‌تر و سفرهٔ آن‌ها کوچک‌تر می‌شود. همچنین در بازار مسکن و خودرو، با افزایش قیمت، در اثر نبود تعادل بین عرضه و تقاضا، روزبه‌روز خرید مسکن و خودرو برای اقشار کم‌درآمد، سخت‌تر و حتی ناممکن می‌شود.

علامه طباطبایی در تفسیر آیهٔ ۳۴ سورهٔ توبه می‌گوید مهم‌ترین چیزی که جامعهٔ انسانی را پایدار نگه می‌دارد، اقتصاد جامعه است؛ خداوند اقتصاد را مایهٔ قوام اجتماع قرار داده است. اگر ریشهٔ انواع گناهان و جرائم و جنایات و تعدیات و مظالم به‌دقت بررسی شود، روشن می‌شود علت بروز تمامی آن‌ها یکی از این دو چیز است: فقر مفرطی که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم‌کشی،





گران‌فروشی، کم‌فروشی، غصب و سایر تعدیات وادار می‌کند، و ثروت بی‌حساب است که انسان را به اسراف و ولخرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تهیه مسکن و همسر و بی‌بندوباری در شهوات، هتک حرمت‌ها، شکستن قرق‌ها و تجاوز در جان، مال و ناموس دیگران وامی‌دارد و همه این مفاسد که از این دو ناحیه ناشی می‌شود، هریک به اندازه خود تأثیر مستقیمی در اختلال نظام بشری دارند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۳۳۰).

بنابر نظر ایشان، علت اینکه آیه شریفه در مقام بیان فساد بزرگان یهود و نصاری است و به اکل مال مردم به باطل اشاره می‌کند نیز همین است؛ چراکه اخلال در اقتصاد به فساد اجتماعی منجر می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۳۳۱). برخی از پژوهش‌ها به بررسی تأثیر عواملی همچون فقر، بیکاری، تورم در بروز جرم و جنایت و آسیب‌های اجتماعی در ۷۷ کشور جهان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که طبق برآورد مدل‌های مختلف، مشکلات اقتصادی مانند بیکاری، فقر، تورم و نابرابری درآمدی، احتمال وقوع جرم را در جامعه به‌طور معنی‌داری افزایش می‌دهد (محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۶۷). بنابراین، این نوع سرمایه‌گذاری بنابر آیه شریفه به فساد جامعه و بروز انواع گناهان و جنایات منجر می‌شود و از آنجا که تقوا از جمله مؤلفه‌های مهم در اخلاق اجتماعی است، قطعاً چنین سرمایه‌گذاری‌ای از لحاظ اخلاق اجتماعی و معیار فضیلت‌گرایی یا پیامد‌گرایی اخروی، قبیح و غیراخلاقی است.

از امام باقر علیه السلام درباره سکه طلا و نقره سؤال شد و ایشان فرمودند: «درهم و دینار، مهرهای خداست که خدا آن‌ها را برای مصلحت خلق خود درست کرده تا به وسیله آن، شئون زندگی و خواسته‌هایشان تأمین شود...» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۰).

نکته قابل توجه این است که با مشخص شدن ملاک و معیار در اخلاق اجتماعی و مؤلفه‌های آن در اندیشه علامه طباطبائی می‌توان یک قاعده کلی را از مطالب بیان

شده استخراج کرد. این قاعده آن است که هر نوع معامله‌ای که اثر اجتماعی آن چنین باشد که موجب زیرپا گذاشتن مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی و فساد در نظام اقتصاد جامعه شود، چه از نظر فضیلت‌گرایی و چه از نظر پیامد‌گرایی اخلاقی و پیامد‌گرایی اخروی، امری مذموم و غیراخلاقی است. بنابراین، سرمایه‌گذاری در بازارهایی همچون مسکن و خودرو نیز شامل همین حکم اخلاقی می‌شود.

قاعدتاً در طرف مقابل، هر کاری که به ایجاد رونق در معاملات و بازار منجر شود، امری حسن به شمار می‌رود و با توجه به ادله گذشته می‌توان گفت موجب رونق اقتصادی و اصلاح جامعه می‌گردد. علامه طباطبایی در همین زمینه، ذیل آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾ (نساء، ۲۹) می‌گوید مقصود از باطل، معاملات ربوی، غرری، قمار و... هستند که این معاملات آثار اجتماعی نیز دارند؛ از جمله موجب فساد و هلاکت اجتماع می‌شوند. قرآن کریم می‌فرماید همه معاملات این گونه نیستند، بلکه یک نوع معامله وجود دارد که نه تنها آن مفسد را ندارد، بلکه توانایی آن را دارد که پراکندگی‌های جامعه را رفع کند و جامعه را از نظر اقتصاد پابرجا و استقامتش را حفظ کند، و آن تجارتي است که هم موجب رضایت طرفین و هم از نظر شرع مقدس صحیح باشد. این است آن تجارتي که حوائج جامعه را برآورده خواهد کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۵۰۱).

### ۳.۴. تقدم نفع شخصی بر جمعی

یکی دیگر از دلایل و وجوه غیراخلاقی بودن این نوع سرمایه‌گذاری، تقدم نفع شخصی بر منافع جمعی است. از مطالب گذشته مشخص شد حرکت سرمایه‌ها و نقدینگی به سمت بازارهایی همچون ارز، مسکن و خودرو و حبس آن، اگرچه برای سرمایه‌گذاران، سود و منفعت به همراه دارد، به دلیل ایجاد خلل در چرخه مبادلات اقتصادی و همچنین افت ارزش پول ملی و دور از دسترس شدن و گران‌شدن





روزافزون مسکن و خودرو موجب ضرررسانی به منافع جمعی می‌شود. قرآن کریم در آیه بعد درباره عذاب اخروی حبس‌کنندگان پول رایج می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾؛ «روزی که آن اندوخته‌ها را در آتش دوزخ به شدت گرما دهند و پیشانی و پهلو و پشتشان را به آن داغ کنند [و به آنان نهب زنند]: این است ثروتی که برای خود اندوختید. پس کیفر زراندوزی خود را بچشید» (توبه، ۳۵). علامه طباطبائی با استفاده از این آیه شریفه می‌گوید از تعبیر «هذا ما كنزتم لأنفسكم» مشخص می‌شود این عذاب در آخرت برای این افراد به این دلیل است که منفعت شخصی خود را بر منافع اجتماع مقدم داشته‌اند؛ لذا به آن‌ها گفته می‌شود این همان چیزی است که برای خود انباشته کرده بودید. با وجود احتیاج ضروری در جامعه، حبس مال با انگیزه منفعت شخصی و تقدم این منفعت بر منافع جمعی، امری قبیح و موجب عذاب اخروی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۳۳۳)؛ برای نمونه، یکی از مصادیق این تقدم منفعت مذموم، در مسئله احتکار است که در مباحث گذشته به روایات آن اشاره شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۱۶۵).

همچنین علامه طباطبائی یکی از ویژگی‌های حکومت اسلامی را این‌گونه بیان می‌کند که در آن هرگز منافع و خواست یک شخص بر منافع اجتماع مقدم نمی‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۱۵۲). بنابراین، متقدم‌ندانستن منافع شخصی بر منافع جمعی یکی از قواعد ثابت در امور اقتصادی اسلام است؛ به این معنا که نمی‌توان فعالیت اقتصادی‌ای را انجام داد که سود شخصی دارد، اما موجب ضرر جمعی می‌شود.

یکی از مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی، ایثار است. علامه طباطبائی، ایثار را ترجیح دادن دیگران بر خود معنا می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ص ۱۵). همچنین ایشان یکی از ویژگی‌های رفتاری رسول خدا ﷺ را ایثار مال و امور دیگر برای مؤمنان بیان می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶: صص ۶۹ و ۴۴۵). علامه یکی از ویژگی‌های

جامعه اسلامی را وجود روحیه ایثار می‌داند. بنا بر نظر ایشان، حتی کسانی که در جامعه اسلامی منصب و مسئولیتی را می‌پذیرند، در حقیقت در حال ایثار هستند؛ چراکه مسئولیت و بار سنگین اخروی آن را بر دوش می‌گیرند و در پذیرش این بار سنگین مقدم بر دیگران می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۵۵۷). از سوی دیگر، ایثار یک فضیلت اخلاقی است و بر اساس مبنای فضیلت‌گرایی، هر چه مانع تحقق آن شود، امری قبیح و غیر اخلاقی است.

با توجه به مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی از منظر علامه طباطبایی و مبنای فضیلت‌گرایی مورد تأیید ایشان، سرمایه‌گذاری‌های بیان‌شده، مصداقی برای تقدم نفع شخصی بر منافع جمعی هستند و از نظر اخلاق اجتماعی، قبیح و مذموم‌اند.

### ۳.۵. آسیب‌های روان‌شناختی اخلاقی

از جمله وجوه غیر اخلاقی بودن این نوع سرمایه‌گذاری، اشتیاق به نفعی است که مستلزم ضرر افراد دیگر است. در واقع، کسی که مقادیری ارز، مسکن و خودرو خریداری و حبس می‌کند، با این امید به این کار دست می‌زند که قیمت آن‌ها افزایش یابد و از این طریق منفعت ببرد. آنچه مسلم است این است که گرانی این سرمایه‌ها با کاهش ارزش پول ملی و گرانی مسکن و خودرو و فشار اقتصادی و معیشتی به اقشار مختلف جامعه مخصوصاً اقشار کم‌درآمد و فقیر برابر است. با وجود این، سرمایه‌گذار اساساً برای ایجاد همین گرانی در این عرصه پا گذاشته است و با علم به آسیبی که از این گرانی به اقشار جامعه می‌رسد، باز هم به آن اشتیاق دارد و از آن شادمان می‌شود. این یکی از آسیب‌های جدی اخلاقی برای این قبیل سرمایه‌گذاری‌هاست.

در آیه شریفه درباره حضرت عیسی آمده است: ﴿وَجَعَلْنِي مَبْرَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ﴾ (مریم، ۳۱). علامه طباطبایی علت نسبت دادن صفت مبارک بودن به حضرت عیسی



را نفع‌رساندن زیاد به مردم بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴: ص ۴۷). بنابراین توجه به منافع مردم و تلاش برای نفع‌رساندن به آن‌ها از صفات برجسته انبیاست. علامه درباره عواقب سنگین ترک انفاق به فقرا ذیل آیه دیگری می‌گوید امتناع ورزیدن از اصل انفاق بر فقرا، در صورتی که فقرایی در جامعه باشند و احتیاج به کمک داشته باشند، از گناهان کبیره مهلک‌تر است. خدای تعالی بعضی از اقسام این خودداری را (مانند امتناع از دادن زکات) شرک به خدا و کفر به آخرت خوانده است و فرموده: ﴿وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ\* الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾ (فصلت، ۶-۷). دلیل اینکه مقصود از این مشرکان، مسلمانانی دانسته شده‌اند که زکات (یا به عبارت دیگر صدقه) نمی‌دادند، این است که سوره مدثر در مکه نازل شده و زکات به معنای اسلامی‌اش در مکه و هنگام نزول این سوره واجب نشده بود.

حال باید پرسید اگر پرهیز از نفع‌رساندن و کمک کردن به مردم، امری نکوهیده و قبیح است، درباره کسی که نه تنها به فقرا و اقشار ضعیف جامعه بی‌اعتناست، بلکه به افزایش قیمت ارز، مسکن و خودرو که موجب ضرر قطعی فقرا می‌شود، مشتاق است و در صورت تحقق، از آسیب دیدن آن‌ها شادمان می‌شود، چه باید گفت؟ قطعاً این روحیه و حالت روانی، امری منافی با فضایل اخلاقی و براساس مبنای فضیلت‌گرایی، بسیار قبیح و غیراخلاقی است و می‌تواند منشأ بسیاری از رذایل اخلاقی همچون تزییع حقوق دیگران شود.

### ۳.۶. استدلال مبتنی بر اصل انصاف (قاعده زرین)

آخرین دلیلی که برای غیراخلاقی بودن این سرمایه‌گذاری‌ها بیان می‌شود، مغایرت با اصل انصاف و قاعده زرین یا همان قانون طلایی است. بنا بر مفاد قاعده زرین یا قانون طلایی، انسان هر چه برای خود می‌پسندد، باید برای دیگران نیز پسندد و هر چه برای خود نمی‌پسندد، نباید برای دیگران پسندد. دقیقاً مضمون همین قاعده در منابع



دینی هم آمده است؛ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که ایشان فرزند خود، امام حسن علیه السلام را به همین مسئله سفارش فرمودند (نهج البلاغه، نامه ۳۱). این قاعده اخلاقی از جمله قواعد مشهور در حوزه اخلاق کاربردی است (پالمر، ۱۳۹۶، ص ۲۰۷).

برخی از مفسران همچون علامه طباطبایی، مضمون این قاعده را از برخی آیات شریفه نیز به دست آورده‌اند؛ در آیات ابتدایی سوره مطففین آمده است: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ \* اَلَّذِينَ إِذَا اُكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ \* وَ اِذَا كَالُوهُمْ اَوْ وُزِّنُوهُمْ يُخْسِرُونَ﴾؛ «وای بر کم‌فروشان! آنان که چون از مردم کالایی را با پیمانانه و وزن می‌ستانند تمام و کامل می‌ستانند و چون برای آنان پیمانانه و وزن کنند، کم می‌دهند» (مطففین، ۱-۳). علامه ذیل این آیات شریفه می‌نویسد کم‌فروشان وقتی کالایی از مردم می‌گیرند، حق خود را تمام و کمال دریافت می‌کنند، ولی وقتی می‌خواهند کالایی به مردم بدهند به کیل یا وزن ناقص می‌دهند و مردم را به خسران و ضرر می‌اندازند. در واقع، آیه شریفه سیره و روحیه‌ای را مذمت می‌کند و آن این است که مطففین حق را برای دیگران آن‌طور که برای خود رعایت می‌کنند، رعایت نمی‌کنند و این خود باعث تباهی اجتماع انسانی می‌شود که اساس آن بر تعادل حقوق متقابل است و اگر این تعادل از بین برود و فاسد شود، همه چیز فاسد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ص ۳۷۹).

در حقیقت، این نکته همان مضمون قاعده زرین است. بنابراین، کسانی که برخلاف قاعده زرین عمل کنند، عملی غیراخلاقی و مذموم انجام داده‌اند. کسانی که وارد بازارهایی همچون ارز، مسکن و خودرو می‌شوند و بعد از خرید، به امید سود شخصی، آن‌ها را حبس می‌کنند و منفعت دیگران را نادیده می‌گیرند، دقیقاً مصداق کسانی هستند که قاعده زرین را زیر پا گذاشته‌اند؛ چراکه آن‌ها هرگز راضی نیستند کسی منافع آن‌ها را از بین ببرد، اما خود منافع دیگران را با خطر مواجه می‌کنند.

شاید سؤال شود این افراد مخالفی با ورود دیگران به عرصه‌های سرمایه‌گذاری ندارند و در واقع، این امر را برای دیگران نیز می‌پسندند؛ پس چگونه این قاعده شامل آن‌ها می‌شود؟ در پاسخ باید گفت در قاعده زرین باید خود را به جای طرف مقابل قرار داد. طرف مقابل در این نوع سرمایه‌گذاری‌ها کیست؟ چه اقشاری در این نوع سرمایه‌گذاری متحمل ضرر جمعی می‌شوند؟ به عبارت دیگر، تنها بخش خاصی از افراد جامعه توان ورود به این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را دارند. بخش قابل توجهی از مردم جامعه تنها توان خرید یک منزل یا خودرو یا مقدار کمی ارز را دارند که همه این موارد نه برای سرمایه‌گذاری و سودآوری، بلکه برای استفاده شخصی و واقعی است. بخش قابل توجه دیگری از افراد جامعه که اصلاً توان خرید همان منزل و خودرو را نیز ندارند، از قدرت مالی خرید ارز و حبس آن بی‌بهره‌اند و درگیر مخارج جاری زندگی خود هستند.

پس فقط قشر خاصی از تمکن مالی قابل توجهی برخوردارند و می‌توانند منازل و خودروهای متعدد یا حجم زیادی ارز بخرند و حبس کنند. در واقع، نقطه مقابل این افراد، طبق قاعده زرین، اقشار کم‌درآمد هستند که در اثر سودجویی اقشار پردرآمد و ورود آنان به این عرصه سرمایه‌گذاری، روزبه‌روز فقیرتر می‌شوند و از خانه‌دار شدن و ماشین‌دار شدن بیشتر فاصله گرفته و در اثر تورم، زندگی سخت‌تری را می‌گذرانند. حال این سرمایه‌گذاران باید از خود بپرسند اگر جزء اقشار کم‌درآمد بودند آیا می‌پسندیدند اقشار پردرآمد با ورود به این عرصه‌ها، فشار اقتصادی را بر آن‌ها بیشتر کنند؟ پس نقطه مقابل در قاعده زرین اخلاقی برای این سرمایه‌گذاران، مرفهانی همچون خود آن‌ها نیست، بلکه اقشار کم‌درآمد است؛ چراکه در این نوع سرمایه‌گذاری ضرر جمعی را اقشار کم‌درآمد می‌برند. بنابراین، با در نظر گرفتن قاعده زرین می‌توان گفت این نوع سرمایه‌گذاری‌ها کاری غیراخلاقی و قبیح است.





## نتیجه‌گیری

سرمایه‌گذاری در بازار ارز، مسکن و خودرو و حبس آن به امید افزایش قیمت و سودبردن، از مصادیق کنز مذموم در آیه شریفه ۳۴ سوره توبه است. این نوع سرمایه‌گذاری مانع رونق در مبادلات اقتصادی و منجر به ایجاد فاصله طبقاتی بین اقشار جامعه، کاهش ارزش پول ملی و در یک کلام، اخلال در نظام اقتصادی جامعه می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری، فارغ از ابعاد قانونی و فقهی، با مشکلات اخلاقی متعددی مواجه است. با بررسی مبانی فرائخلاق علامه مانند فضیلت‌گرایی، پیامد‌گرایی اخلاقی، پیامد‌گرایی اخروی، وظیفه‌گرایی و اخلاق محبت و مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی مانند تقوا، برابری، ایثار، وحدت و امنیت اجتماعی باید گفت این نوع سرمایه‌گذاری به چند دلیل، غیر اخلاقی و قبیح است؛ از جمله این ادله می‌توان به اختلال در اقتصاد جامعه، تقدم نفع شخصی بر نفع جمعی، آسیب‌های روان‌شناختی مانند اشتیاق به ضرر دیگران و منافات با اصل انصاف یا قانون زرین اخلاقی اشاره کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. پالمر، مایکل (۱۳۹۶)، مسائل اخلاقی، ترجمه علیرضا آل بویه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۶. خبرگزاری ایسنا، [www.isna.ir](http://www.isna.ir)
۷. خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir)
۸. خبرگزاری تسنیم [www.tasnimnews.ir](http://www.tasnimnews.ir)
۹. خبرگزاری دانشجو [www.snn.ir](http://www.snn.ir)
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۱۱. ریچلز، جیمز (۱۳۹۶)، عناصر فلسفه اخلاق، ترجمه علیرضا آل بویه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. سلطانی رنانی، سیدمهدی (۱۳۹۲)، «مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، دوره ۱۹، ش ۹۶، ص ۳-۴۶.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، چ ۵، قم: جامعه مدرسین.
۱۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الأملی، قم: دارالثقافة.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۱۶. عاشوری کیسمی، محمدعلی (۱۳۹۷)، «اخلاق از منظر علامه طباطبایی و توماس آکویناس»، دوفصلنامه اندیشه علامه طباطبایی، دوره ۵، ش ۹، ص ۷۳-۹۶.
۱۷. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰ق)، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة.
۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۹. محمدزاده، یوسف و دیگران (۱۳۹۷)، «رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در کشورهای منتخب با رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته»، رفاه اجتماعی، س ۱۸، ش ۶۸، ص ۱۶۷-۱۹۹.
۲۰. مصباح، محمدتقی، (۱۳۹۴)، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۲. نصرانصفهانی، محمد (۱۳۸۷)، «مبانی اخلاقی علامه طباطبایی»، اخلاق، ش ۱۱، ص ۳۷-۱۱۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## References

۱. *The Holy Quran*.
۲. *Nahj al-Balagha*.
۳. Ashuri Kisemi, M. (۲۰۱۸). "Ethics from the perspective of Allameh Tabatabai and Thomas Aquinas". *two quarterly journals of Allameh Tabatabai's Thought*, Vol. ۵, No. ۹, p.۷۳-۹۶.
۴. Ayashi, M. (۱۳۸۰ AH). *al-Tafsir (Tafsir al-Ayashi)*. Tehran: Islamic School of Science.
۵. Ebn fares, A. (۱۴۰۴ AH). *mojamo maghaees al-loghat*. Qom: Islamic Information Office.
۶. Hor Ameli, M. (۱۴۰۹ AH). *Vasael al-Shiaa*. Qom: Al al-bait.
۷. Kolehini, M. (۱۴۰۷ AH). *al-Kafi*. ۴th edition. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
۸. Makarem Shirazi, N. (۱۹۹۲). *Tafsir Nemooneh*. ۱۰th Edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islami.
۹. Mesbah, M. (۲۰۱۵). *Naghd va bareesi mkateb akhlaghi*. Qom: publications of imam Khomeini institute.
۱۰. Mohammadzadeh, et al. (۲۰۱۸). "Relationship between economic and social factors and social damages in selected countries with the approach of generalized moments". *Social welfare*, ۱۸th year, No. ۶۸, p. ۱۶۷-۱۹۹.
۱۱. Nasr Esfahani, M. (۲۰۰۸). "Allameh Tabatabai's Ethical Principles". *Ethical Magazine*, No. ۱۱, p. ۳۷-۱۱۱.
۱۲. news agency Isna, [www.isna.ir](http://www.isna.ir)
۱۳. news agency Student, [www.snn.ir](http://www.snn.ir)
۱۴. news agency Young Journalist Club, [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir)
۱۵. news agency, [www.tasnimnews.ir](http://www.tasnimnews.ir)
۱۶. Palmer, M. (۲۰۱۶). *Ethical Issues*. Translated by Albuyeh. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
۱۷. Rachels, J. (۲۰۱۷). *Elements of moral philosophy*. Translated by Alireza Al Boyeh. Qom: Islamic Science and Culture Research Institute.
۱۸. Ragheb Esfahani, H. (۱۴۱۲ AH). *Mofradat Alfaz al-Quran*. Beirut: Dar al-Qalam.
۱۹. Soltani, S. (۲۰۱۳). "The components of social ethics from the point of view of Allameh Tabatabai and Shahid Motahari". *Journal of Islamic Social Research*, Vo. ۱۹, No. ۹۶, p.۳-۴۶.
۲۰. Tabatabaei, M. H. (۱۹۹۵). *Translation of Tafsir al-Mizan*. Translated by Hamedani, M., Qom: Society of teachers.
۲۱. Tousi, M. (۱۴۱۴ AH). *al-Amali*. Qom: Dar al-Thaqafat.